

میزان کامیابی شبکه بانکی کشور در تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۱۷

محمد رضا مهربان پور*

سید عباس موسویان**

محمد رسول حشمتی***

۱۱۹

چکیده

حرکت صحیح یک جامعه اسلامی در مسیری که باید باشد، می‌تواند قواعد اسلامی در تمامی ابعاد زندگی افراد آن جامعه جاری باشد. یکی از حوزه‌هایی که بخش بزرگی از زندگی افراد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، حوزه اقتصاد و بانکداری است. ارزیابی میزان تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام در حوزه بانکداری، مستلزم به کارگیری شاخص‌های مناسب برای سنجش آن است؛ از این رو، نخستین قدم برای عملیاتی کردن اهداف اقتصاد اسلامی در برنامه‌ریزی‌های کلان سیستم بانکی، سنجش ابعاد و مؤلفه‌های بانکداری اسلامی است. با توجه به انتقادات وارده بر سیستم بانکی در خصوص عملکرد آن به لحاظ اسلامی، در این مقاله سعی شده است با بهره‌گیری از شاخص‌های بانکداری اسلامی و با استفاده از داده‌های مراکز آماری به ارزیابی میزان کامیابی شبکه بانکی کشور در تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام پرداخته شود. تحلیل داده‌ها به کمک آزمون مان-کندال و روش TFPW انجام پذیرفت که آزمونی کارا در بررسی روند سری‌های زمانی محسوب می‌شود. ارزیابی شاخص‌های بانکداری اسلامی یعنی عدالت، رشد اقتصادی، استقلال و سرمایه اجتماعی از طریق چهار فرضیه اصلی و شش فرضیه فرعی، آزمون شد. نتایج بیانگر این بود که به جز دو فرضیه فرعی، مابقی فرضیات تحقیق تأیید شدند؛ به عبارت دیگر، وضعیت سیستم بانکداری کشور از منظر شاخص‌های عدالت، رشد اقتصادی، استقلال و سرمایه اجتماعی رو به بهبود نیست.

واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، بانکداری اسلامی، تحلیل روند، شاخص.

Email: mehrabanpour@ut.ac.ir.

*. استادیار دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

Email: samosavian@yahoo.com.

** استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Email: r.heshmati@eqbal.ac.ir.

*** استادیار مدیریت مالی مؤسسه آموزش عالی اقبال لاهوری.

مقدمه

بر اساس بند اول ماده یک قانون عملیات بانکی بدون ربا کشور، اولین هدف نظام بانکی، «استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی)، به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور» است. حال، سؤالی که مطرح می‌شود آن است که آیا نظام بانکی کشور به طور عام و بانک مرکزی به طور خاص، در بیش از سه دهه‌ای که از تصویب این قانون می‌گذرد، موفق به اجرای صحیح بانکداری بدون ربا شده‌اند؟ به نظر می‌رسد نمی‌توان به این سؤال پاسخ قطعی مثبت یا منفی داد، زیرا ارزیابی تجربه نظام بانکی در سه دهه اخیر نشان می‌دهد، هرچند در این دوره اقدامات و تلاش‌های قابل تقدیری در راستای اجرای بانکداری منطبق با شریعت صورت پذیرفته است، اما هنوز هم مشکلات بسیاری وجود دارد که اسلامی بودن عملکرد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی را به چالش می‌کشد. شاید به دلیل همین چالش‌هاست که اکنون نخبگان، مراجع تقلید (فقها) و حتی عامه مردم، در رابطه با اسلامی بودن عملکرد نظام بانکی کشور تردید دارند (موسویان و میسمی، ۱۳۹۵، ص ۶۰۵).

بر این اساس، ضروری است تا ضمن شناسایی و تعیین شاخص‌های اسلامی بودن عملیات بانکی، عملکرد تجربه سه دهه گذشته بانکداری کشور، از منظر شاخص‌های تعیین شده، مورد ارزیابی قرار گیرد؛ از این‌رو، در این مقاله سعی شده با بهره‌گیری از شاخص‌های بانکداری اسلامی به ارزیابی میزان کامیابی شبکه بانکی کشور در تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام پرداخته شود. چهار مورد از مهم‌ترین شاخص‌های بانکداری اسلامی از نظر انطباق با اهداف نظام اقتصادی اسلام عبارت‌اند از: ۱. عدالت اقتصادی؛ ۲. رشد اقتصادی؛ ۳. استقلال اقتصادی و ۴. تقویت سرمایه اجتماعی (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۲۸)، که در مقاله حاضر به تبیین نقش و جایگاه این چهار شاخص و مؤلفه‌های آنها در بانکداری می‌پردازیم.

بهره‌گیری از شاخص‌های بانکداری اسلامی از این جهت حائز اهمیت است که مشخص می‌سازد آنچه در کشور تحت عنوان بانکداری بدون ربا اتفاق افتاده تا چه حد

صحیح بوده و با اصول اسلامی همخوانی دارد. درحالی که بخش قابل توجهی از جامعه، چه در سطح نخبگان و چه عموم مردم، معتقدند که الگوی بانکداری بدون ربای فعلی، فاصله زیادی با بانکداری اسلامی و خواست‌های مردم دارد. متولیان نظام بانکی حاضر به پذیرش این واقعیت نیستند و همواره مدعی‌اند که نظام بانکی به طور کامل بر اساس اصول بانکداری بدون ربا پیش می‌رود. این دوگانگی، نتیجه فقدان شاخص‌های ارزیابی است که دیروز و امروز سیستم را ارزیابی و باهم مقایسه کند تا مشخص گردد که روند نظام بانکی در جهت اجرای بانکداری اسلامی رو به پیشرفت است یا پسرفت (محقق‌نیا، ۱۳۹۱، ص ۱۱).

اقتصاددانان مسلمان و طراحان بانکداری اسلامی معتقدند، همه آثار و برکات مثبت نظام بانکداری اسلامی تنها زمانی رخ می‌نماید که آموزه‌های آن، به صورت صحیح و کامل اجرا شود و اجرای ناقص و صوری آن، نه تنها مشکلی را از جوامع اسلامی حل نمی‌کند، بلکه خود عامل شکل‌گیری معضلات اقتصادی می‌گردد؛ به طوری که اجرای عملیات خلاف اصول و معیارهای اسلامی می‌تواند منجر به تحمیل هزینه‌های جبران ناپذیری بر پیکره اقتصادی جامعه شود و چه بسا اصل ایده بانکداری بدون ربا را در اذهان عامه مردم و صاحب‌نظران مخدوش نماید (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۱۰). در حال حاضر بسیاری از بزرگان فقه و اقتصاد کشور، انتقادات زیادی از سیستم فعلی دارند؛ به طوری که می‌توان مدعی بود، وضع موجود اجرای بانکداری بدون ربا در نظام بانکی کشور، با الگوی ایده‌آل بانکداری اسلامی که به صورت گسترده در ادبیات نظری اقتصاد و مالی اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است، فاصله دارد (موسویان و میسمی، ۱۳۹۵، ص ۶۰۶).

در اغلب مطالعات پیشین، انتقادات وارده به سیستم بانکداری کشور در خصوص عدم انطباق آن با اهداف نظام اقتصادی اسلام، به شکل نظری و مروری بیان شده است و پژوهشی که انتقاد را به شواهد تجربی معطوف نماید و از طریق سنجش ابعاد و مؤلفه‌های بانکداری اسلامی و تحلیل روند آن در طول زمان، نقاط ضعف را مشخص نماید، انجام نشده است. در این پژوهش، به کمک شاخص‌های سنجش‌پذیر، سعی در بررسی این فرضیه را داریم که «وضعیت سیستم بانکداری کشور از منظر شاخص‌های بانکداری اسلامی روبه بهبود نیست». هنگامی که انتقاد و ارزیابی با تکیه بر اطلاعات عملکردی و شواهد تجربی صورت پذیرد، در معطوف نمودن توجه مسئولان نظام بانکی به نقاط

مشکل‌دار سیستم، اثرگذاری داشته و می‌تواند آنان را در جهت لزوم انجام اقدامات اصلاحی، مجاب نماید.

در نگرش اسلامی، منابع استخراج شاخص‌ها، روش و چگونگی رسیدن به آنها عبارت‌اند از: کتاب، سنت، عقل، اجماع، فقه، اخلاق، عناصری از هویت و فرهنگ مسلمانان و روشی که برای شاخص‌سازی به کار گرفته می‌شود نیز باید مبتنی بر روش‌های مورد تأیید و پذیرفته‌شده اجتهادی باشد (رجایی، ۱۳۹۴، ص ۲۸)؛ از این‌رو، جهت‌گزینش شاخص‌های بانکداری اسلامی برگرفته از تعالیم اسلامی، از منابعی بهره‌گیری شده است که بر اساس روش‌های مورد تأیید ذکر شده، شاخص‌ها را تدوین نموده‌اند. با استفاده از این منابع، تعدادی از شاخص‌های بانکداری اسلامی که با اطلاعات در دسترس در اقتصاد ایران قابل محاسبه است، استخراج شده و سپس به کمک این شاخص‌ها میزان تطابق نظام بانکداری حاکم بر کشور، با معیارهای بانکداری اسلامی، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. اولین گام در ارزیابی عملکرد شبکه بانکی بر مبنای شاخص‌های بانکداری اسلامی، تبیین دقیق مبانی نظری هر شاخص و مؤلفه‌های زیرمجموعه آن، اعم از مفهوم، اهمیت و جایگاه آن در آموزه‌های اسلامی و در مرحله بعد، تطبیق آن با بانکداری اسلامی است.

در ادامه مبانی نظری شاخص‌های اقتصاد اسلامی در بستر بانکداری تشریح می‌شود. بررسی و تحلیل روند سری زمانی شاخص‌های بانکداری اسلامی، در کنار سایر آمارهای سری زمانی کلان کشور می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی مثمر ثمر باشد.

ادبیات نظری

۱. عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی به معنی ایجاد امکان برخورداری یکسان برای همه و رفع موانع برای همه است؛ به نحوی که، همه افراد برخوردار از یکسانی از کالاها و مواهب اولیه داشته باشند (عیوض‌لو و کریمی‌ریزی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۱). عدالت اقتصادی در اسلام، نه با تفسیر سطحی سوسیالیستی آن به معنای برابری ریاضی و نه با شکل مغفول آن در آزادی لیبرالیستی مطابق است. در تفسیر اسلامی عدالت، هر چیزی در جایگاه واقعی خود قرار می‌گیرد و هرکسی از استحقاق خود برخوردار می‌شود (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۳۰). هارتنو و سوپاری (۲۰۱۷)،

آنتونیو و همکاران (۲۰۱۲) و عبوض لو و کریمی‌ریزی (۱۳۹۴)، در مقاله‌های خود، عدالت را به عنوان یکی از شاخص‌های مقاصد شریعت در بانک‌های اسلامی معرفی و اندازه‌گیری کرده‌اند. بانکداری اسلامی می‌بایست از اینکه تمامی مبادلات در همه فعالیت‌های تجاری - شامل محصولات، قیمت‌گذاری، اصلاحات و شرایط قراردادها- بر اساس عدالت انجام گیرد، اطمینان حاصل کند (Hartono & Sobari, 2017, p.195).

در حقیقت، بانک اسلامی به عنوان یکی از اجزای نظام اقتصادی اسلام و یک خرده نظام، باید بتواند در راستای تحقق اهداف این نظام، گام بردارد؛ از این رو نظام بانکی، مدیریت نظام پولی کشور، تجهیز سپرده‌های مردم و تخصیص بهینه آنها باید به گونه‌ای باشند که از کارکرد آنها، اهداف این نظام تأمین گردد. یکی از اهداف مهم نظام اسلامی، برقراری عدالت فراگیر در همه ابعاد آن، از جمله عدالت اقتصادی است. اهمیت این هدف به گونه‌ای است که ممیزه نظام اسلامی بوده و بدون آن، اسلامیت نظام زیر سؤال است. اهمیت بانک در نظام پولی کشور از یک طرف و حرمت ربا از طرف دیگر، اقتصاددانان مسلمان را در دهه‌های اخیر بر آن داشت تا با حذف ربا از نظام بانکی، نظام پولی جدیدی را به عنوان بانکداری اسلامی طراحی کنند و بیش از سی سال است که این نظام در ایران و برخی کشورهای اسلامی اجرا می‌شود. دغدغه خیلی از اندیشمندان مسلمان در حوزه پول و بانک در این مدت این بوده که فقط حذف ربا از نظام بانکی کافی نیست و برای اسلامی شدن این نظام، لازم است عناصر دیگر آموزه‌های اقتصادی اسلام نیز تأمین شود و یکی از اساسی‌ترین اصول نظام اقتصادی اسلام، عدالت است که در همه عرصه‌های نظام اقتصادی از جمله نظام بانکی باید جریان داشته باشد (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۲۸).

۲. رشد اقتصادی

یکی از اهداف مهم اسلامی، تحقق رشد در همه ابعاد آن، از جمله رشد اقتصادی است. رشد اقتصادی در همه عرصه‌های نظام اقتصادی، از جمله نظام بانکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این زمینه مقام معظم رهبری در بند ۲۳ سیاست‌های ابلاغی جهت تدوین برنامه پنجم توسعه، به صورت صریح و روشن جهت رشد مناسب اقتصادی، خواستار اصلاح ساختار نظام بانکی شده‌اند. در هر جامعه‌ای بخشی از سرمایه‌های نقدی

در دست افرادی قرار دارد که به دلایلی علاقه یا توان استفاده کارآمد از آن را ندارند؛ از طرفی سرمایه‌گذاران باتجربه‌ای وجود دارند که سرمایه کافی در اختیار ندارند، در نتیجه وجود مؤسسه‌هایی که بتوانند این دو گروه از افراد جامعه را به هم مرتبط سازند و زمینه‌های لازم برای رشد سرمایه‌گذاری و در نهایت رشد ملی و بهبود رفاه جامعه را به وجود آورند، ضروری است (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۴۳).

بانک‌ها از با سابقه‌ترین و کارآمدترین ابزارهای این ارتباط به حساب می‌آیند که با داشتن شعبه‌های متعدد در اقصی نقاط کشور به آسانی پس‌اندازهای راکد مردم را جمع‌آوری کرده و در اختیار صاحبان صنایع، کشاورزان و بازرگانان که دارای کسری می‌باشند، قرار می‌دهند و با پرداخت وام‌ها و اعتبارات گوناگون به آنها، باعث افزایش ظرفیت‌های تولیدی و کارایی کل سیستم اقتصادی خواهند شد و به همین جهت است که گفته می‌شود، اگرچه در ظاهر نقش اصلی را در فعالیت‌های اقتصادی، عوامل تولید یعنی سرمایه، کار و تکنولوژی ایفا می‌کنند، لیکن مزایای متعدد نظام بانکی در امر جذب پس‌اندازها و اعطای تسهیلات و اعتبارات جایگاه خاصی برای بانک در پیشرفت اقتصادی جامعه بازی می‌کند (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۴۴، به نقل از: قره‌باغیان، ۱۳۷۳، ص ۵۲۶).

۳. استقلال اقتصادی

استقلال اقتصادی یکی دیگر از اهداف نظام اقتصادی اسلام است. هدف اسلام این است که امت اسلامی در همه ابعاد زندگی از بیگانگان مستقل باشد. از این میان، استقلال اقتصادی از اهمیت خاصی برخوردار است و به تعبیر امام خمینی علیه السلام وابستگی اقتصادی، منشأ همه وابستگی‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است (خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۰، ص ۳۳۳). به جهت اهمیت اصل استقلال در نظام اقتصادی اسلام، اصول دوم و نهم قانون اساسی، استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی را مورد تأکید قرار داد و در بند پنجم از اصل سوم نیز بر «طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب» تأکید نموده است. در طلحه اصل چهل و سوم، بر «تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و بر آوردن نیازهای انسان در جریان رشد با حفظ آزادی او» تأکید شده است. در بند هشت و نه از اصل ۴۳، ضمن نهی از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور،

بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را بر می آورد و کشور را به خودکفایی رسانده از وابستگی می رهاند، تأکید شده است (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۴۵).

اهداف نظام اقتصادی اسلام، تنها در سایه استقلال دولت اسلامی می توانند شکل بگیرند؛ چراکه در سایه استقلال و عدم وابستگی به بیگانگان است که مجموعه کارگزاران اسلامی با آسودگی خاطر به فعالیت‌های اقتصادی در جامعه در چارچوب قوانین اسلام پرداخته و موجبات رشد و توسعه اقتصادی در جامعه را فراهم می آورد و این مهم، بدون به کارگیری شبکه عظیم سیستم بانکی که منابع مورد نیاز طرح‌های اقتصادی مؤثر و نقش آفرین در بهبود تراز پرداخت‌ها و در نتیجه خودکفایی و استقلال اقتصادی را که فراهم می سازد، امکان پذیر نیست (همان، ص ۴۶).

۴. سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی شامل ارتباطات موجود میان افراد است. اعتماد، درک متقابل، رفتار و ارزش‌های مشترک که شبکه‌های انسانی و جوامع را به هم پیوند می دهد و اقدامات مشترک را امکان پذیر می کند (باورصاد و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۲۱۵). ولکاک (۱۹۹۸) سرمایه اجتماعی را به عنوان یک اصطلاح گسترده تعریف می کند که شامل، هنجارها و شبکه‌هایی می شود که تسهیل کننده اقدام جمعی برای منافع متقابل است (Munford, 2017, p.194). بر اساس تعریف بانک جهانی، سرمایه اجتماعی، مجموعه نظام مند ارزش‌های غیررسمی، هنجارها، قواعد و تعهدات است که در جامعه استقرار یافته، موجب تسهیل و کارآمدی مناسبات میان اعضای آن جامعه شده و ظرفیت‌هایی برای دستیابی به اهداف خاص پدید می آورد (نظریور و منتظری، ۱۳۸۹، ص ۶۰) و تقویت آن از اهداف اساسی نظام اقتصادی اسلام به شمار می آید و در همه عرصه‌های نظام اقتصادی از جمله نظام بانکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۵۸).

در بانکداری اسلامی، سپرده‌گذاران منابع خود را به وکالت در اختیار بانک می گذارند تا در مجموعه فعالیت‌های بانک به کارگیرد؛ در نتیجه، پیوند اقتصادی و اجتماعی بین سپرده‌گذاران و بانکداران و گیرندگان تسهیلات شکل می گیرد. کما اینکه شیوه تأمین مالی بر اساس عقود مشارکتی، علاوه بر آنکه افراد ملزم به رعایت آداب معامله هستند و از این

منظر می‌تواند موجب تحکیم اعتماد تعمیم‌یافته شود، مشارکت سازنده اقشار گوناگون جوامع اسلامی و حیات اجتماعی مسلمانان را نیز به دنبال خواهد داشت و به تقویت روحیه برادری و تعاون میان اقشار جامعه اسلامی کمک شایانی بنماید و از این منظر، انسجام اجتماعی میان افراد جامعه اسلامی را تقویت نماید؛ بنابراین، اجرای صحیح بانکداری اسلامی می‌تواند نقش مؤثری در ایجاد و تحکیم سرمایه اجتماعی در جامعه دینی داشته باشد. لازم به ذکر است که ارتباط میان تأمین مالی اسلامی و سرمایه اجتماعی، یک ارتباط دو سویه است. همچنان که فرایند تأمین مالی نقشی کلیدی در ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی دارد، انتظار می‌رود سازوکار تأمین مالی در جوامع اسلامی با سرمایه اجتماعی بالاتر با سهولت و دقت بیشتری صورت گیرد. نهادینه شدن صداقت و اعتماد متقابل در جامعه اسلامی، می‌تواند نقش کلیدی در گسترش تأمین مالی داشته باشد، همان‌گونه که فقدان سرمایه اجتماعی نیز می‌تواند استمرار روند اعتباردهی را با مشکل مواجه سازد و از سوی دیگر، گسترش تأمین مالی به شیوه‌های فوق می‌تواند به گسترش سرمایه اجتماعی کمک نماید (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۵۲).

چارچوب مفهومی و توسعه فرضیات

۱. شاخص‌های عدالت در بستر بانکداری اسلامی

در مقاله حاضر، بر اساس مطالعات موسویان (۱۳۹۲) و محققیان (۱۳۹۴) جریان عدالت در نظام بانکی، در سه محور مورد بررسی قرار می‌گیرد: الف) توازن اجتماعی یا توزیع عادلانه منابع بانکی؛ ب) التزام به مفاد قراردادها و رعایت اهداف و انگیزه‌های سپرده‌گذاران؛ ج) نقش نظام بانکی در مسئله فقرزدایی.

۱-۱. توازن اجتماعی یا توزیع عادلانه منابع بانکی

اگر نظام بانکی با برنامه‌ریزی صحیح و هدف‌دار، مدیریت شود می‌تواند نقش کلیدی و حساسی در تخصیص بهینه منابع و سرمایه‌های نقدی داشته باشد و در نقطه مقابل، اگر برنامه‌ریزی‌ها صحیح و هدف‌دار نباشد یا نظارت کافی بر عملکرد نظام بانکی نباشد، ممکن است برخی از پدیده‌های نامطلوبی (تمرکز منابع بانکی در مناطق خاص اقتصادی؛ تمرکز

منابع بانکی در بخش‌های خاص اقتصادی؛ تمرکز منابع بانکی در اشخاص و گروه‌های درآمدی خاص) رخ دهد و توزیع منابع بانکی را با نا عدالتی مواجه کند. عدالت اقتصادی، به معنای برخورداری همه آحاد مردم از ثروت‌های خدادادی و نیز امکان استفاده از فرصت‌های برابر است. به بیان شهید مطهری (۱۳۶۹)، مدینه فاضله اسلامی، مدینه ضد تبعیض است، نه ضد تفاوت. جامعه اسلامی، جامعه تساوی‌ها و برابری‌هاست؛ اما نه تساوی منفی، بلکه تساوی مثبت. تساوی منفی یعنی، محسوب نکردن امتیازات طبیعی افراد و سلب امتیازات اکتسابی آنها برای برقراری برابری و تساوی مثبت یعنی، ایجاد امکانات مساوی برای عموم و تعلق مکتسبات هر فرد به خود و سلب امتیازات ظالمانه (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۳۰-۳۲).

لذا یکی از اصول تحقق عدالت در بانکداری اسلامی، توزیع متوازن سرمایه‌ها در جامعه است (محقق‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۱۰۱). در این خصوص، نسبت تسهیلات اختصاص یافته به مناطق محروم (استان‌ها) به کل تسهیلات به صورت زیر تعریف می‌شود (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۱۳۸):

تسهیلات مناطق محروم

کل تسهیلات

رعایت مصالح بلندمدت جامعه، اقتضا می‌کند که منابع بانکی، به صورت متوازن توزیع شود و اگر در منطقه یا مناطقی مانند مناطق محروم، مشکلات و موانعی سر راه بازدهی معقول و متعارف وجود دارد، نظام اقتصادی با مطالعه جامع و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و رفع موانع و مشکلات، آنها را به سطح مطلوب برساند (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۱۳۸). با توزیع متناسب و متوازن تسهیلات بانکی در استان‌های دور و نزدیک، زمینه اشتغال و توسعه یافتگی برای همه استان‌ها فراهم گشته و رقابت اقتصادی عادلانه‌تر خواهد شد (محقق‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۱۰۱)؛ بنابراین می‌توان گفت، نسبت تسهیلات مناطق محروم به کل تسهیلات، شاخص مناسبی در راستای توزیع متوازن منابع بانکی یعنی اولین مؤلفه کلیدی عدالت باشد؛ بنابراین، فرضیه فرعی ۱-۱ به این صورت بیان می‌شود:

H₁₋₁: وضعیت عدالت در بانکداری از منظر مؤلفه توزیع عادلانه منابع رو به بهبود

نیست.

۱-۲. التزام به مفاد قرارداد و رعایت اهداف و انگیزه‌های سپرده‌گذاران

بخش مهمی از حقوق اقتصادی در ارتباط با سیستم بانکی، مربوط به قراردادهای بانکی است. بی‌تردید در این تعامل حقوقی، نباید حق هیچ یک از طرفین معامله پایمال شود. اسلام رعایت عدالت اجتماعی را لازم‌تر از هرگونه نفع شخصی و خصوصی می‌داند؛ از این رو، عدالت در بانکداری اسلامی بدون احترام به مفاد قراردادهای شرعی و قانونی و استیفای تمامی حقوق طرفین، اجرا نخواهد شد؛ در نتیجه، یکی از شاخص‌های عدالت در سیستم بانکی، التزام طرفین قرارداد به مفاد آن است. شاخص تحقق عدالت در میان حقوق مطرح شده در مبحث استحقاق بانکی، التزام به مفاد قرارداد است که در این رابطه، بحث رعایت اهداف و انگیزه‌های سپرده‌گذاران مطرح می‌شود. عدم انحراف از قرض‌الحسنه در سپرده‌های قرض‌الحسنه، یکی از مصادیق التزام به مفاد قرارداد است و تخلف از قرارداد از عدالت سیستم بانکی می‌کاهد (محقق‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۸۹). در ارتباط با این مؤلفه، شاخص ذیل معرفی می‌شود:

تسهیلات قرض‌الحسنه

سپرده‌های قرض‌الحسنه

شاخص فوق علاوه بر مطالعه محقق‌نیا (۱۳۹۴)، در مقاله *اصولی و اسدی* (۱۳۹۱) نیز، به عنوان یکی از شاخص‌های مبین عدالت در سیستم بانکی مطرح شده است. به علاوه، موسویان و میسمی (۱۳۹۵) و میسمی و قلیچ (۱۳۹۰)، استفاده از سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز در فعالیت‌های سودآور اقتصادی را به عنوان یکی از آسیب‌های سیستم بانکداری بدون ربای کشور در مبحث نقض عدالت مطرح می‌کنند.

توجه به اهداف و انگیزه‌های سپرده‌گذاران به صورت عمده در سپرده‌های قرض‌الحسنه مطرح می‌شود؛ زیرا در سایر سپرده‌ها انگیزه اصلی سپرده‌گذاران دستیابی به سود است و پرداخت سود مطابق قرارداد، هدف ایشان در سپرده‌گذاری را تأمین می‌کند؛ اما در سپرده‌های قرض‌الحسنه، هدف سپرده‌گذاران عمدتاً ایجاد امکان پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه به نیازمندان است؛ بنابراین، افزایش نسبت پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه به

سپرده‌های قرض‌الحسنه می‌تواند شاخص مناسبی برای این حیطة از عدالت باشد^۱ (محقق‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۹۳)؛ لذا می‌توان گفت که هرچه میزان انحراف تسهیلات قرض‌الحسنه نسبت به سپرده‌های قرض‌الحسنه کمتر باشد، باعث افزایش عدالت می‌شود. البته طبق قانون، سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری را می‌توان در فعالیت‌های انتفاعی و غیر قرض‌الحسنه‌ای هم مورد استفاده قرار داد. به همین دلیل در محاسبات این پژوهش، تنها سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز لحاظ شده‌اند؛ از این‌رو، فرضیه فرعی ۱-۲ به این صورت بیان می‌شود:

۱۲۹

H₁₋₂: وضعیت عدالت در بانکداری از منظر شاخص التزام به مفاد قرارداد رو به بهبود

نیست.

۱-۳. نقش نظام بانکی در مسئله فقرزدایی

در پرتو تعالیم امامان معصوم^{علیهم‌السلام}، آشکار می‌شود که وجود فقر در اجتماع و نیازمندی مردم، نخستین گواه بر وجود بی‌عدالتی در میان مردم و استیلائی ستم بر جامعه است؛ آن‌گونه که امام کاظم^{علیه‌السلام} فرمودند (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۵۴۲): «اگر عدالت در میان حاکمان و مردم اجرا شده بود همه بی‌نیاز بودند» (محقق‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۲۶)؛ از این‌رو، یکی از اصول تحقق عدالت اقتصادی در بانکداری اسلامی، فقرزدایی در جامعه است. آیات و روایات فراوانی به‌ویژه از امیر مؤمنان^{علیه‌السلام} داریم که نیازمندان جامعه در اموال ثروتمندان حق دارند. سیستم بانکی نسبت به حقوق نیازمندان و محرومین مسئول است؛ لذا یکی از شاخص‌های عدالت در بانکداری اسلامی جهت‌گیری تسهیلات به سمت رفع فقر است (محقق‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۹۷). مطالعات نظری و تجربی نشان می‌دهند که راه‌حل اصولی رفع فقر، ایجاد اشتغال و درآمد است. شهید صدر^{علیه‌السلام} نیز بیان داشتند، روند فعالیت بانک‌ها باید به نحوی باشد که نقش کار انسانی به عنوان منبع درآمد و کم کردن درآمد، سرمایه را به منصف ظهور در بیاورد.

^۱ لازم به ذکر است که برخی از بانک‌ها ممکن است بخش قابل توجهی از سپرده‌های قرض‌الحسنه را به کارمندان خود اختصاص دهند که سازگاری این عملکرد با اهداف سپرده‌گذاران قرض‌الحسنه قابل بررسی است (محقق‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۹۳).

مؤلفه سوم شاخص‌های عدالت اقتصادی در نظام بانکی مربوط به فقرزدایی یا به عبارتی رفع فقر در جامعه است که در ارتباط با آن شاخص، نسبت تسهیلات بخش کشاورزی به کل تسهیلات تعریف می‌شود (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۱۳۷)؛ از آنجاکه این بخش، عمدتاً در شرایط موجود اقتصاد جامعه، کاربر و نه سرمایه‌بر است، هر چه این شاخص بیشتر باشد گویای اشتغال‌زایی بیشتر، درآمد بالاتر و به دنبال آن رفع فقر خواهد بود (همان)؛ بنابراین می‌توان گفت، نسبت تسهیلات بخش کشاورزی به کل تسهیلات بر سومین مؤلفه کلیدی عدالت اقتصادی یعنی فقرزدایی، تأثیر معنی‌دار و مثبتی خواهد داشت؛ بنابراین، فرضیه فرعی ۱-۳ به این صورت بیان می‌شود:

H₁₋₃: وضعیت عدالت در سیستم بانکداری از منظر مؤلفه فقرزدایی رو به بهبود نیست. سه فرضیه فرعی بالا، زیرمجموعه فرضیه اصلی اول تحقیق بوده که پس از مشخص شدن نتایج آنها، در خصوص این فرضیه اظهار نظر می‌شود. این فرضیه به صورت ذیل بیان می‌شود:

H₁: وضعیت سیستم بانکداری کشور از منظر شاخص عدالت رو به بهبود نیست.

۲. شاخص رشد اقتصادی در بستر بانکداری اسلامی

یکی از مؤلفه‌های رشد اقتصادی در نظام بانکی، عبارت است از توزیع بهینه منابع همسو با سرمایه‌گذاری، اشتغال و تولید. این مؤلفه جهت معرفی و شناسایی شاخص‌های مناسب جهت رشد اقتصادی، مبنای کار قرار می‌گیرد. بانک‌ها با تأمین مالی بخش‌های مختلف اقتصادی (کشاورزی، صنعت و خدمات) از یک طرف، زمینه اشتغال بیکاران را فراهم می‌آورند و از طرف دیگر، به رشد و توسعه اقتصادی کمک می‌کنند. توزیع بهینه منابع و اعتبارات بانکی میان این بخش‌ها و سرمایه‌گذاری فعالان اقتصادی از طریق اعتبارات موجود در این بخش‌ها، پتانسیل‌های سرمایه‌گذاری و تولید را افزایش داده و می‌تواند موجبات رشد و توسعه کشور را فراهم آورد (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۱۳۹)؛ بنابراین، شاخصی که می‌توان در این قسمت مطرح کرد، نسبت اشتغال ایجادشده از ناحیه تسهیلات اعطایی بانک‌ها به کل جمعیت کشور است.

مؤلفه صورت کسر یعنی میزان اشتغال‌زایی خالص تسهیلات بانکی در بخش‌های اقتصادی کشور (صنعت، کشاورزی، خدمات) در دوره ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۵ از محاسبات انجام‌شده در مقاله طیبی و همکاران (۱۳۸۹) به دست آمده است. در این مقاله، جهت محاسبه کل اشتغال ایجادشده از ناحیه تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش i ام، از داده‌هایی همچون، کل اشتغال ایجادشده در بخش i ام، ارزش تولیدات (ارزش‌افزوده) بخش i ام در زمان t و تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش i ام در زمان t ، استفاده شده است. برای متغیر تسهیلات اعطایی به بخش‌های فوق از گزارش عملکرد نظام بانکی و همچنین سایت بانک مرکزی استفاده شده است. اطلاعات مربوط به اشتغال بخش‌ها از گزارش‌های مرکز آمار ایران حاصل شده است. داده‌های مؤلفه مخرج کسر- جمعیت سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۵- نیز، از اطلاعات موجود در بانک جهانی استخراج شده است؛ بنابراین می‌توان گفت، میزان اشتغال‌زایی خالص تسهیلات بانکی در بخش‌های اقتصادی کشور بر رشد اقتصادی، تأثیر معنادار و مثبتی خواهد داشت؛ از این‌رو، فرضیه اصلی دوم تحقیق به این صورت بیان می‌شود:

H_2 : وضعیت سیستم بانکداری کشور از منظر شاخص رشد اقتصادی رو به بهبود نیست.

۳. شاخص استقلال اقتصادی در بستر بانکداری اسلامی

شبکه عظیم سیستم بانکی می‌تواند با تأمین منابع مالی مورد نیاز طرح‌های اقتصادی مؤثر و نقش‌آفرین در بهبود تراز پرداخت‌ها، خودکفایی و استقلال اقتصادی را به ارمغان آورد. شاخص استقلال اقتصادی معرفی‌شده در این بخش، نسبت میزان اعتبارات طرح‌های تولیدی صادراتی (صنعتی، کشاورزی و خدماتی) به کل اعتبارات است (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۱۴۹)؛ در صورتی‌که اعتبارات اعطایی به طرح‌های تولیدی صادراتی اعم از صنعتی، کشاورزی و خدمات افزایش یابد تراز حساب جاری (واردات، صادرات کالاها و خدمات) نیز بهبود می‌یابد که این خود استقلال اقتصادی را می‌افزاید (همان، ص ۱۵۰)؛ بنابراین می‌توان گفت، میزان تسهیلات تخصیص‌یافته به صادرات بر استقلال اقتصادی، تأثیر

معنی‌دار و مثبتی خواهد داشت؛ بنابراین، فرضیه اصلی سوم تحقیق به این صورت بیان می‌شود:

H₃: وضعیت سیستم بانکداری کشور از منظر شاخص استقلال اقتصادی رو به بهبود نیست.

۴. شاخص‌های سرمایه اجتماعی در بستر بانکداری اسلامی

اهمیت سنجش سرمایه اجتماعی برای بررسی آن، لازم و ضروری است و از آنجاکه خود سرمایه اجتماعی، متغیر کیفی بوده و اطلاعات و آمار مناسبی نیز در این رابطه در کشور وجود ندارد. پس بایستی راهی برای اندازه‌گیری این متغیر یافت (دلیری و رنانی، ۱۳۸۹، ص ۶۰). بر اساس مطالعه موسویان (۱۳۹۲)، سه مورد از مؤلفه‌های تقویت سرمایه اجتماعی در عملیات بانکداری اسلامی عبارت‌اند از: الف) صداقت؛ ب) اعتماد عمومی و ج) مشارکت. این سه مؤلفه، در مطالعه دادگر و همکاران (۱۳۹۴) نیز، به عنوان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در اندیشه اسلامی معرفی شده‌اند که در ادامه به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

۴-۱. صداقت

صداقت یکی از مؤلفه سرمایه اجتماعی در اندیشه دینی است. سفارش به راست‌گویی، امانت‌داری و وفای به عهد، آشکارا کنش‌های جمعی را تسهیل می‌کند و هزینه ارتباطات اجتماعی را کاهش می‌دهد (دادگر و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۳۶). اعتماد مردم به مسئولان از سویی و اعتماد به افراد جامعه از سوی دیگر، خود ناشی از راست‌گویی، درستکاری و پابندی به تعهدات از سوی همگان است و در جوامعی که دروغ‌پردازی، نفاق در رفتار و مانند آن نهادینه شده است، دیگر نبایست سراغی از سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن گرفت. به نظر می‌رسد در عملیات بانکی صداقت و راست‌گویی سبب خلق اعتماد در سطوح گوناگون خواهد بود و زمینه را برای مشارکت صحیح و شفاف در فعالیت‌های بانکی فراهم می‌کند (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۵۴). در ارتباط با این مؤلفه شاخص ذیل معرفی می‌شود:

میزان مطالبات معوق

کل تسهیلات بانکی

افزایش قراردادهایی که طرفین منطبق با قرارداد عمل نمایند، بیانگر تقویت معیار صداقت و به تبع آن سرمایه اجتماعی در سیستم بانکی است (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۱۵۳)؛ از این رو می‌توان گفت، معیاری که مبین عمل نکردن دریافت‌کنندگان اعتبار به تعهدات خود باشد، شاخصی برای وجود عدم صداقت در سیستم بانکی است. افزایش میزان مطالبات معوق بانکی یکی از مصادیق بارز عمل نکردن به مفاد قرارداد است. مطالبات معوق (بین شش تا هجده ماه از سررسید اصل یا اقساط آن گذشته باشد) یکی از سه بخش تسهیلات غیر جاری در سیستم بانکی را شامل می‌شود. هرچه معاملات شفاف‌تر و صادقانه‌تر باشد، میزان مطالبات معوق کاهش یافته و بالعکس هرچه معاملات مبهم، سفارشی و دستوری باشد، حجم این مطالبات افزایش می‌یابد. از طرفی، عدم صداقت در سیستم بانکی به وسیله وجود اطلاعات نامتقارن معرفی شده است (نصراللهی و شفیع، ۱۳۹۵، ص ۶۱)؛ حال آنکه، مانده مطالبات معوق بانکیها به عنوان شاخصی از اطلاعات نامتقارن محسوب می‌شود (مکیان و محبی، ۱۳۹۲، ص ۸۶)؛ بنابراین، نسبت میزان مطالبات معوق به کل تسهیلات بانکی، شاخصی برای نشان دادن سطح صداقت (تقارن اطلاعاتی) در نظام بانکی محسوب می‌شود؛ لذا می‌توان گفت که هر چه میزان صداقت در بخش بانکی کمتر باشد، باعث افزایش مطالبات معوق می‌شود؛ از این رو، فرضیه فرعی ۱-۴ به این صورت بیان می‌شود:

H₄₋₁: وضعیت سرمایه اجتماعی در بانکداری از منظر مؤلفه صداقت رو به بهبود نیست.

۲-۴. اعتماد عمومی

مطابق با آموزه‌های اسلامی، اعتماد به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی سرمایه اجتماعی از نظر اسلام، قابل‌شناسایی است. چنانچه مراجعه به متون و نصوص اسلامی رهیافتی مناسب جهت تولید، انباشت، تقویت و بازتولید اعتماد در جامعه اسلامی به دست می‌دهد. امر به اقامه قسط و دادگری در میان مردم، امانت‌داری، وفای به عهد، تبیین آداب معاملات، توصیه به برآوردن نیاز مردم، نیک‌خواهی در نظرخواهی و غیره، از جمله دستوراتی است

که بی‌شک اعتماد در سطوح گوناگون آن را به همراه خواهد داشت (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۵۵).

به اعتقاد کوهکن (۱۳۸۸) مفهوم اعتماد، محور تعریف سرمایه اجتماعی است. اعتماد تحت تأثیر هنجار و ارتباط متقابل انسانی تولید می‌شود و روح سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد. کلمن (۱۹۹۴) نیز بیان می‌دارند، اعتماد از طرفی سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورد و از طرف دیگر، اگر در جامعه‌ای سرمایه اجتماعی به اندازه کافی وجود داشته باشد، اعتماد میان افراد تقویت می‌شود که این موضوع، مبین رابط دو سوبه اعتماد و سرمایه اجتماعی است (توکلی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۵۰۶). در عملیات بانکی، انطباق عملیات نظام بانکی با اصول و موازین شرعی، فضای اعتماد را برای کارگزاران و مشتریان فراهم می‌نماید. بدیهی است دوری عملکرد نظام بانکی از موازین شرعی، سبب سلب اعتماد عمومی از نظام بانکی می‌شود (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۵۵).

دستورات روشن و صریح اسلام در خصوص نهی از حيله‌گری در خرید و فروش و گزارش‌های خلاف واقع، کم‌فروشی با پیمانانه و ترازو، سوءاستفاده از بیت‌المال و غیره، نظامی را ترسیم می‌نماید که در آن ارتباطات و کنش‌های جمعی، همانند معاملات، با سهولت بیشتری صورت گرفته و نظام اعتماد را در جامعه نهادینه و موانع ایجاد اعتماد در سطح جامعه و نیز مؤلفه‌های آسیب‌زنده به آن را از بین می‌برد. رعایت آداب معاملات در نظام مالی اسلام، از تخریب اعتماد در سطوح گوناگون (به‌ویژه اعتماد به افراد ناشناس اعتماد تعمیم‌یافته) جلوگیری نموده و اسباب شکل‌گیری سرمایه اجتماعی را مبتنی بر اعتماد تعمیم‌یافته فراهم می‌کند. نهادینه شدن اعتماد متقابل در جامعه اسلامی، از یک سو می‌تواند نقش کلیدی در گسترش تأمین مالی به شیوه‌های قرض‌الحسنه، عقود مبادله‌ای و عقود مشارکتی داشته باشد، همان‌گونه که فقدان سرمایه اجتماعی نیز می‌تواند استمرار روند اعتباردهی را با مشکل مواجه سازد و از سوی دیگر، گسترش تأمین مالی به شیوه‌های فوق می‌تواند به گسترش سرمایه اجتماعی کمک نماید. نهادینه شدن اعتماد متقابل در عملیات بانکی می‌تواند در جذب قسمت اعظم سپرده‌گذاران بانک به خصوص مشتریان اصلی بانک نقش ایفا نماید. هر چه نسبت افرادی که در بانک‌ها حساب سرمایه‌گذاری دارند به کل

مردم افزایش یابد، بیانگر افزایش نظام اعتماد عمومی در جامعه اسلامی و تحکیم و تقویت سرمایه اجتماعی بر مبنای اعتماد تعمیم یافته است (همان، ص ۱۵۵).

به دلیل اینکه اطلاعات مربوط به شمار افرادی که در هر سال در بانک‌ها حساب سرمایه‌گذاری دارند، در آمارهای رسمی داخلی و خارجی منتشر نمی‌شود، از شاخص نرخ سرمایه‌گذاری در بانک استفاده شده است که به صورت زیر نشان داده می‌شود:

میزان سپرده‌های سرمایه‌گذاری

کل نقدینگی

۱۴۵

فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی / مقاله علمی پژوهشی / میزان کامیابی شبکه بانکی ...

نرخ سرمایه‌گذاری در بانک‌ها، تداعی‌کننده نوع نگاه صاحبان پول به سیستم بانکی است و هرچه این سیستم بتواند قابلیت اتکای بیشتری داشته باشد، افراد به میزان بیشتری تمایل دارند نقدینگی خود را در بانک سرمایه‌گذاری کنند. با فرض ثابت بودن ارزش پول، هر چه میزان سپرده‌های سرمایه‌گذاری در هر سال نسبت به سال قبل افزایش یابد، بیانگر این است که یا نفرات جدیدی به شمار سرمایه‌گذاران افزوده شده است و یا اینکه مجموع سطح اعتماد سرمایه‌گذاران قبلی به سیستم بانکداری بیشتر شده است. بدیهی است که این فرض همیشه برقرار نیست. با قرار گرفتن حجم نقدینگی در مخرج کسر، مشکل کاهش ارزش پول در طی زمان حل می‌شود؛ چراکه مبلغ سرمایه‌گذاری هر سال، به نسبت حجم نقدینگی در زمان خود محاسبه شده است؛ بنابراین، فرضیه فرعی ۲-۴ به این صورت بیان می‌شود:

H₄₋₂: وضعیت سرمایه اجتماعی سیستم بانکداری از منظر مؤلفه اعتماد، رو به بهبود نیست.

۳-۴. انسجام عمومی

انسجام اجتماعی که نتیجه توصیه‌های دین مبین اسلام در خصوص برادری میان مسلمانان و پرهیز از تفرقه و اختلاف است نیز، یکی دیگر از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از منظر اسلام است. انسجام اجتماعی در جامعه اسلامی می‌تواند به عنوان یک عنصر سرمایه ساز اجتماعی قابل طرح باشد؛ زیرا انسجام و وحدت اجتماعی در جامعه اسلامی، به مثابه ارزشی است که اسباب تسهیل کنش‌های اجتماعی را فراهم خواهد نمود. تأکید فراوان بر

اینکه افراد جامعه، امتی یگانه و با یکدیگر برادرند و یا نهی شدید از تفرقه و جدایی در صفوف جامعه اسلامی، از جمله دستوراتی است که اهمیت این مؤلفه را در حیات جامعه اسلامی و در رشد و تعالی آن برجسته می‌نماید. در عملیات بانکی، انسجام و وحدت اجتماعی در مقام یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، هزینه تصمیم‌گیری را کاهش داده، شرایط حصول به یک تصمیم‌گیری جمعی مورد قبول و پذیرش طرفین معامله (کارکنان نظام بانکی، سپرده‌گذاران و متقاضیان) را تسهیل می‌کند (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۵۴). شاخص مقابل، در ارتباط با مؤلفه انسجام اجتماعی معرفی می‌شود:

میزان اعتبارات قرض‌الحسنه

کل اعتبارات بانکی

این فرض متعارف که به موجب آن، منفعت تنها انگیزه بانک‌ها بوده و سعی در حداکثر نمودن آن دارند، قابل قبول نیست و حداقل در جامعه اسلامی باید به دنبال رفاه سایر افراد جامعه و منفعت آنها نیز بود (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۱۵۵)؛ البته بانکداری اخلاقی امروزه در برخی بانک‌های اروپایی و آمریکایی از شهرت و عملکرد مناسبی در سطح جهان برخوردار است. انسجام اجتماعی شکلی از ارتباط است که نشان می‌دهد افراد، نهادها و سازمان‌ها در سطوح مختلف، قابلیت همکاری با یکدیگر را دارند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۸۳).

تأمین مالی به شیوه قرض‌الحسنه در واقع، نوعی مشارکت آگاهانه در خصوص رفع نیازهای اقشار جامعه اسلامی است؛ به عبارت دیگر، مؤسسات تأمین مالی از این طریق، مشارکتی فعال در ایجاد اشتغال، راه‌اندازی کارگاه‌های تولیدی راکد، ایجاد و توسعه واحدهای تولیدی کوچک، توسعه بخش کشاورزی، رفع احتیاجات و نیازهای ضروری مسلمانان خواهند داشت. در صورتی که تجهیز منابع این مؤسسات برای تأمین مالی به شیوه قرض‌الحسنه نیز توسط سپرده‌گذاران و به صورت سپرده‌های قرض‌الحسنه صورت پذیرد، بنیان‌های حیات اجتماعی با مشارکت آگاهانه بیش‌ازپیش تقویت خواهد شد. علاوه بر این، نهاد قرض‌الحسنه در جوامع اسلامی، باعث تقویت روحیه برادری میان اقشار جامعه شده و انسجام اجتماعی را نیز به همراه خواهد داشت؛ بنابراین، تأمین مالی به شیوه قرض‌الحسنه بر سومین مؤلفه کلیدی سرمایه اجتماعی یعنی انسجام اجتماعی، تأثیر معنی‌دار

و مثبتی خواهد داشت (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۴۹)؛ از این رو، فرضیه فرعی ۳-۴ به صورت زیر بیان می شود:

H₄₋₃: وضعیت سرمایه اجتماعی در بانکداری از منظر مؤلفه انسجام رو به بهبود نیست. سه فرضیه فرعی بالا، زیرمجموعه فرضیه اصلی چهار تحقیق بوده که پس از مشخص شدن نتایج آنها، در خصوص این فرضیه اظهار نظر می شود. این فرضیه به صورت ذیل بیان می شود:

H₄: وضعیت سیستم بانکداری کشور از منظر شاخص سرمایه اجتماعی رو به بهبود نیست.

روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر به روش کمی، انجام پذیرفته است و از آنجایی که هدف آن بررسی میزان توفیق سیستم فعلی بانکداری کشور در تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام است، پس تحقیق حاضر از حیث هدف، در زمره پژوهش های کاربردی قرار می گیرد. در این پژوهش، به منظور سنجش شاخص های بانکداری اسلامی، از داده های ثانویه موجود در آرشیو پایگاه های داده، از جمله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مرکز آمار ایران و بانک جهانی، بهره گیری شده است. جهت بررسی و آزمون فرضیات، آزمون نا پارامتری مان-کندال مورد استفاده قرار گرفته است که آزمونی با کارایی بالا در بررسی روند سری های زمانی محسوب می شود. هدف از تحلیل روند، بررسی این موضوع است که سری داده ها دارای روند صعودی است یا نزولی.

آزمون مان-کندال ابتدا توسط مان (۱۹۴۵) در مجله اقتصادسنجی ارائه و سپس توسط کندال (۱۹۷۰) توسعه داده شد. در این آزمون، فرض صفر بیانگر تصادفی بودن و عدم وجود روند در سری داده ها است و فرض مقابل بر وجود روند در سری داده ها دلالت دارد. آزمون های ناپارامتری، ضمن اینکه در صورت تصادفی بودن داده ها قابل استفاده اند، به نرمال بودن سری داده ها حساس نبوده (سبزی پرور و شادمانی، ۱۳۹۰، ص ۸۲۳؛ به نقل از Chen et al, 2007; Hamed & Rao, 1998; Yue et al, 2002) و برای سری هایی که دارای داده های مفقود و سانسور شده اند نیز، مناسب تر هستند (میرعباسی و دین پژوه، ۱۳۹۱،

ص ۵۹)؛ بنابراین، از جمله مزایای آزمون ناپارامتری مان-کندال این است که این آزمون برای سری‌های زمانی که از توزیع خاصی پیروی نمی‌کنند، کاربرد دارد؛ به‌علاوه، رویه‌ی آن بر اساس رتبه‌بندی است و نسبت به داده‌های حدی، اثرپذیری ناچیزی داشته و برای متغیرهایی که دارای اریبی هستند نیز مناسب است (Partal & Kahya, 2006, p. 2015). مقایسه‌ی توان دو آزمون مان-کندال و اسپیرمن جهت تشخیص روندها، توسط محققانی مانند دنیل (۱۹۷۸) و یو و همکاران (۲۰۰۲) انجام گرفته و نتایج، حاکی از توان مشابه دو آزمون مذکور بوده است (سبزی‌پرور و شادمانی، ۱۳۹۰)؛ همچنین طبق نظر نووتنی و استفان (۲۰۰۷)، در روش تخمین شیب سن (۱۹۶۸)، مقادیر پرت (Outlier) موجود در سری داده‌ها، اثر کمی در تعیین شیب روند دارند که مزیت و برتری اصلی آن نسبت به روش رگرسیون خطی است (سبزی‌پرور و شادمانی، ۱۳۹۰). مراحل محاسبه آماره آزمون مان-کندال به شرح زیر است (Khoi & Trang, 2016, p.231):

محاسبه پارامتر S مطابق رابطه زیر:

$$S = \sum_{k=1}^{n-1} \sum_{j=k+1}^n \text{sgn}(x_j - x_k) \quad (1)$$

که n طول مدت زمانی (تعداد مشاهدات سری) و x_j و x_k به ترتیب، داده‌های زمان j ام و k ام سری می‌باشند. تابع علامت sgn نیز به صورت زیر قابل محاسبه است:

$$\begin{aligned} \text{sgn}(x_j - x_k) &= +1 && \text{for } (x_j - x_k) > 0 \\ \text{sgn}(x_j - x_k) &= 0 && \text{for } (x_j - x_k) = 0 \\ \text{sgn}(x_j - x_k) &= -1 && \text{for } (x_j - x_k) < 0 \end{aligned} \quad (2)$$

در مرحله بعد واریانس S توسط یکی از روابط زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{Var}(S) = \frac{n(n-1)(2n+5) - \sum_{i=1}^m i(i-1)(2i+5)}{18} \quad \text{for } n > 10 \quad (3)$$

که m معرف تعداد دنباله‌هایی است که در آنها حداقل یک داده تکراری وجود دارد (تعداد دسته‌های با داده‌های گره‌دار). t نیز بیانگر فراوانی داده‌های با ارزش یکسان در یک دنباله m (تعداد داده‌های گره‌دار در هر دسته m) است. اگر هیچ دسته گره‌دار وجود نداشته

باشد، این قسمت از فرمول، می‌تواند نادیده گرفته شود. در پایان نیز آماره Z به کمک یکی از روابط زیر محاسبه می‌شود:

$$z = \frac{S - 1}{\sqrt{\text{Var}(S)}} \quad \text{for } S > 0 \quad (4)$$

$$z = 0 \quad \text{for } S = 0$$

$$z = \frac{S + 1}{\sqrt{\text{Var}(S)}} \quad \text{for } S < 0$$

آماره Z محاسبه شده در جدول توزیع نرمال استاندارد، با سطوح اطمینان (در سطح معنی‌داری α) و با فرض دو دامنه بودن آزمون روند، مقایسه می‌شود. فرضیه صفر در صورتی پذیرفته می‌شود که شرط زیر برقرار باشد:

$$|Z| < Z_{\alpha/2} \quad (5)$$

پذیرش فرض صفر، بیانگر عدم وجود روند معنی‌دار در سری زمانی است. در غیر این صورت، فرض مقابل، مبنی بر وجود روند معنی‌دار در سری زمانی، مورد پذیرش واقع می‌شود. در این حالت آماره Z مثبت، بیانگر روند صعودی در سری داده‌ها و آماره Z منفی، بر وجود روند نزولی سری زمانی دلالت دارد. به منظور آزمون فرضیات در پژوهش حاضر، محاسبه آماره آزمون مان-کندال به وسیله نرم‌افزار MAKESENS 1.0 انجام شده است. این نرم‌افزار توسط سلمی و دیگران (۲۰۰۲) توسعه داده شده است.

فرض اصلی مطالعات تحلیل روند با آزمون مان-کندال، استفاده از داده‌های مستقل و به طور تصادفی نظم گرفته است؛ یعنی داده‌ها می‌بایست فاقد خودهمبستگی معنی‌دار باشند؛ چراکه خودهمبستگی بر روی مقدار واریانس محاسبه شده در روش مان-کندال تأثیر می‌گذارد و در نتیجه احتمال رد اشتباه فرض صفر (خطای نوع اول) افزایش پیدا می‌کند (باقرپور و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۱)؛ به عبارت دیگر، در صورت وجود خودهمبستگی مثبت در سری داده‌ها، ممکن است آزمون مان-کندال وجود روند را تشخیص دهد درحالی‌که روند معنی‌داری در سری داده‌ها وجود ندارد. خودهمبستگی منفی نیز می‌تواند احتمال عدم تشخیص روند (به اشتباه) را افزایش دهد (خطای نوع دوم)؛ از این رو، ضروری است پیش از اجرای آزمون مان-کندال، وجود خودهمبستگی در داده‌ها بررسی و در صورت مشاهده، اثر آن حذف گردد. در این پژوهش از روش معرفی شده به وسیله یو و دیگران (۲۰۰۲) با

عنوان TFPW یا پیش سفید کردن بدون روند (Trend-free pre-whitening)، جهت رفع اثرات خودهمبستگی سری‌های زمانی استفاده شده است که مراحل آن به شرح زیر است (Kumar et al., 2009, p.176):

۱. محاسبه ضریب خودهمبستگی مرتبه اول (Lag-1)، یا r_1 ، با استفاده از رابطه زیر:

$$r_k = \frac{\frac{1}{n-k} \sum_{i=1}^{n-k} (x_i - \bar{x})(x_{i+k} - \bar{x})}{\frac{1}{n} \sum_{i=1}^n (x_i - \bar{x})^2}$$

۲. اگر شرط زیر برقرار باشد، داده‌ها در سطح اطمینان ۹۰ درصد مستقل فرض می‌شوند که در این حالت پیش سفید کردن لزومی نداشته و آزمون مان-کندال به روش مرسوم انجام می‌شود. در غیر این صورت، پیش از انجام آزمون، می‌بایست اثر خودهمبستگی داده‌ها بر اساس دستور، مراحل ۳ تا ۷ حذف می‌شود.

$$\frac{-1 - 1.645\sqrt{n-2}}{n-2} \leq r_1 \leq \frac{-1 + 1.645\sqrt{n-2}}{n-2}$$

۳. محاسبه شیب خط روند یا β برای سری داده‌ها با روش تخمین گر سن (۱۹۶۸):

$$\beta = \text{Median} \left[\frac{X_j - X_i}{j - i} \right] (\forall j > i)$$

۴. سری جدید به شرح زیر روند زدایی می‌شود:

$$\hat{x}_i = x_i - (\beta \times i)$$

۵. ضریب r_1 داده‌های سری روند زدایی شده، مجدداً محاسبه می‌شود.

۶. مؤلفه خودهمبستگی مرتبه اول (Lag-1 autoregressive) یا AR(1) از سری جدید (بدون روند) به شرح زیر حذف و سری باقیمانده‌ها (y') از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$\hat{y}_i = \hat{x}_i - r_1 \times \hat{x}_{i-1}$$

۷. مقدار روند ($\beta \times i$) به سری باقیمانده‌ها افزوده می‌شود و سری ترکیبی (y_i) به شرح زیر به دست می‌آید:

$$y_i = \hat{y}_i + (\beta \times i)$$

آزمون مان-کندال بر روی سری ترکیبی (y_i)، جهت تعیین معنی‌داری روند آن، اعمال می‌شود. پردازش و محاسبه داده‌های خام پیش از انجام تحلیل و همچنین مراحل روش

TFPW، به کمک نرم‌افزار Excel صورت پذیرفته است. در محاسبات مربوط به شیب تخمین‌گر سین و ضرایب خودهمبستگی، از نرم‌افزار Minitab 18.1 نیز استفاده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارائه یافته‌ها

در این قسمت بر اساس چهار عنصر ۱. عدالت اقتصادی (با سه معیار درونی)؛ ۲. رشد اقتصادی؛ ۳. استقلال اقتصادی؛ ۴. سرمایه اجتماعی (با سه معیار درونی) و شاخص‌های قابل سنجش مبتنی بر این چهار عنصر، به ارزیابی میزان موفقیت و اثربخشی عملکرد بانکداری کشور در دوره پس از انقلاب در خصوص شاخص‌های احصاء شده پرداخته خواهد شد. همان‌طور که گفته شد، به منظور آزمون فرضیات، از آزمون آماری مان-کندال استفاده شده است. پیش‌نیاز این آزمون، بررسی وجود خودهمبستگی در سری داده‌هاست. نتایج محاسبه ضریب خودهمبستگی مرتبه اول به همراه شیب خط روند در جدول زیر نشان داده است.

جدول ۱: ضرایب خودهمبستگی و شیب سری داده‌ها

شیب تخمین‌گر سین (β)	ضریب خودهمبستگی مرتبه اول در سری بدون روند	ضریب خودهمبستگی مرتبه اول در سری اولیه	شاخص‌های اهداف نظام اقتصادی اسلام
- ۰/۰۰۲۵۱	۰/۲۹۷	۰/۷۹۸	توزیع عادلانه منابع
۰/۰۱۲۴	۰/۶۹۷	۰/۷۶۶	رعایت انگیزه سپرده‌گذار
- ۰/۰۰۲۳۳	۰/۸۹۲	۰/۹۱۹	فقرزدایی
- ۰/۰۰۰۰۲	۰/۷۸۵	۰/۷۸۱	رشد اقتصادی
- ۰/۰۰۱۱۵	۰/۶۴۶	۰/۷۸۲	استقلال اقتصادی
۰/۳۵۷۵	۰/۵۱۱	۰/۷۴۳	صداقت
۰/۰۱۵۸۷۱	۰/۸۸۹	۰/۸۷۹	اعتماد عمومی
- ۰/۰۰۰۰۶۹	۰/۸۴۳	۰/۸۶۱	انسجام

همان‌طور که در جدول بالا ملاحظه می‌گردد، به دلیل وجود خودهمبستگی معنادار، می‌بایست آزمون مان-کندال پس از طی مراحل روش TFPW انجام گیرد. نتایج آزمون

مان-کندال که به وسیله نرم افزار MAKESENS محاسبه شده است، در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول ۲: نتایج آزمون نا پارامتریک مان-کندال

ردیف	شاخص های اهداف نظام اقتصادی اسلام	سال ابتدایی	سال پایانی	n	آماره Z	سطح معنی داری	نتیجه
۱-۱	عدالت اقتصادی	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۱۱	-۳/۷۴	***	تأیید
۱-۲		۱۳۶۳	۱۳۹۵	۳۳	۵/۵۰	***	رد
۱-۳		۱۳۶۳	۱۳۹۵	۳۳	-۶/۷۱	***	تأیید
۲	رشد اقتصادی	۱۳۵۷	۱۳۸۵	۲۹	۱/۶۳		تأیید
۳	استقلال اقتصادی	۱۳۷۳	۱۳۹۵	۲۳	-۴/۹۱	***	تأیید
۴-۱	سرمایه اجتماعی	۱۳۵۸	۱۳۸۷	۳۰	۶/۴۶	***	تأیید
۴-۲		۱۳۶۳	۱۳۹۵	۳۳	۶/۹۶	***	رد
۴-۳		۱۳۶۳	۱۳۹۵	۳۳	-۳/۰۲	**	تأیید

*** معنی داری در سطح خطای ۰/۰۰۱ ** معنی داری در سطح خطای ۰/۰۱ * معنی داری در سطح خطای ۰/۰۵

همان طور که در جدول بالا مشخص است، در رابطه با روند سری زمانی نسبت تسهیلات مناطق محروم به کل تسهیلات که مبین شاخص توزیع عادلانه منابع در سیستم بانکی است (فرضیه ۱-۱)، از آنجایی که قدر مطلق آماره آزمون مان-کندال بیشتر از ۳/۲۹۱ است، می توان گفت این آزمون در سطح اطمینان ۹۹/۹ درصد (در سطح خطای ۰/۰۰۱) معنی دار است؛ به عبارت دیگر، سری زمانی شاخص توزیع عادلانه منابع (مؤلفه اول عدالت) دارای روند معنی دار است و به دلیل اینکه مقدار این آماره منفی شده است، مشخص می شود که شاخص توزیع عادلانه منابع روند نزولی داشته است که حاکی از نامناسب بودن وضعیت این شاخص است؛ بنابراین، فرضیه فرعی ۱-۱ مورد تأیید واقع می شود. در رابطه با روند سری زمانی نسبت تسهیلات قرض الحسنه به سپرده های قرض الحسنه که مبین شاخص التزام به مفاد قرارداد با رعایت انگیزه سپرده گذار است (فرضیه ۱-۲)، از آنجایی که قدر مطلق آماره آزمون مان-کندال بیشتر از ۳/۲۹۱ است،

می‌توان گفت این آزمون در سطح اطمینان ۹۹/۹ درصد معنی‌دار است؛ به عبارت دیگر، سری زمانی شاخص رعایت انگیزه سپرده‌گذار (مؤلفه دوم عدالت) دارای روند معنی‌دار است و به دلیل اینکه مقدار این آماره مثبت شده است، مشخص می‌شود که شاخص رعایت انگیزه سپرده‌گذار روند صعودی داشته است که حاکی از مناسب بودن وضعیت این شاخص است؛ بنابراین فرضیه فرعی ۱-۲ مورد تأیید واقع نمی‌شود. در رابطه با روند سری زمانی نسبت تسهیلات کشاورزی به کل تسهیلات بانکی که مبین شاخص فقرزدایی در سیستم بانکی است (فرضیه ۱-۳)، از آنجایی که قدر مطلق آماره آزمون مان-کندال بیشتر از ۳/۲۹۱ است، می‌توان گفت این آزمون در سطح اطمینان ۹۹/۹ درصد معنادار است؛ به عبارت دیگر، سری زمانی شاخص فقرزدایی (مؤلفه سوم عدالت اقتصادی) دارای روند معنادار است و به دلیل اینکه مقدار این آماره منفی شده است، مشخص می‌شود که شاخص فقرزدایی روند نزولی داشته است که حاکی از نامناسب بودن وضعیت این شاخص است؛ بنابراین فرضیه فرعی ۱-۳ تأیید می‌گردد.

در رابطه با روند سری زمانی نسبت تعداد اشتغال ایجادشده از ناحیه تسهیلات بانکی به کل جمعیت که مبین شاخص رشد اقتصادی در سیستم بانکی است (فرضیه دوم)، از آنجایی که قدر مطلق آماره آزمون مان-کندال کمتر از ۱/۹۶ است، می‌توان گفت این آزمون در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار نیست؛ به عبارت دیگر سری زمانی شاخص رشد اقتصادی دارای روند معنی‌دار نیست که حاکی از این است وضعیت این شاخص رو به بهبود نبوده است؛ بنابراین فرضیه دوم مورد تأیید واقع می‌شود.

در رابطه با روند سری زمانی نسبت تسهیلات صادرات به کل تسهیلات بانکی که مبین شاخص استقلال اقتصادی در سیستم بانکی است (فرضیه سوم)، از آنجایی که قدر مطلق آماره آزمون مان-کندال بیشتر از ۳/۲۹۱ است، می‌توان گفت این آزمون در سطح اطمینان ۹۹/۹ درصد معنی‌دار است؛ به عبارت دیگر، سری زمانی شاخص استقلال اقتصادی دارای روند معنی‌دار است و به دلیل اینکه مقدار این آماره منفی شده است، مشخص می‌شود که شاخص استقلال اقتصادی روند نزولی داشته است که حاکی از نامناسب بودن وضعیت این شاخص است؛ بنابراین فرضیه اصلی سوم مورد تأیید واقع می‌شود.

همان‌طور که در جدول بالا مشخص است، در رابطه با روند سری زمانی نسبت مطالبات معوق به کل تسهیلات بانکی که مبین شاخص عدم صداقت در سیستم بانکی است (فرضیه فرعی ۱-۴)، از آنجایی که قدر مطلق آماره آزمون مان-کندال بیشتر از $۳/۲۹۱$ است، می‌توان گفت این آزمون در سطح اطمینان $۹۹/۹$ درصد معنی‌دار است؛ به عبارت دیگر، سری زمانی شاخص معکوس صداقت (مؤلفه اول سرمایه اجتماعی) دارای روند معنی‌دار است و به دلیل اینکه مقدار این آماره مثبت شده است، مشخص می‌شود که شاخص معکوس صداقت در طی ۳۰ سال روند صعودی داشته است که حاکی از نامناسب بودن وضعیت شاخص صداقت است؛ بنابراین فرضیه فرعی ۱-۴ مورد تأیید واقع می‌شود. تأیید شدن این فرضیه با وجود آماره مثبت، به علت معکوس بودن این آماره رخ داده است. همچنین، در رابطه با روند سری زمانی شاخص اعتماد (فرضیه فرعی ۲-۴)، از آنجایی که قدر مطلق آماره آزمون مان-کندال بیشتر از $۳/۲۹۱$ است، می‌توان گفت این آزمون در سطح اطمینان $۹۹/۹$ درصد معنی‌دار است؛ یعنی سری زمانی شاخص اعتماد (مؤلفه سوم سرمایه اجتماعی) دارای روند معنی‌دار است و به دلیل اینکه مقدار این آماره مثبت شده است، مشخص می‌شود که شاخص اعتماد در طی ۳۳ سال اخیر روند صعودی داشته که حاکی از مناسب بودن وضعیت این شاخص است؛ بنابراین، فرضیه فرعی ۲-۴ مورد تأیید واقع نمی‌شود. در رابطه با روند سری زمانی شاخص انسجام (فرضیه فرعی ۳-۴) نیز، از آنجایی که قدر مطلق آماره آزمون مان-کندال بیشتر از $۲/۵۸$ است، می‌توان گفت این آزمون در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار است؛ به عبارت دیگر، سری زمانی شاخص انسجام (مؤلفه سوم سرمایه اجتماعی) دارای روند منفی (نزولی) معنی‌دار است که حاکی از نامناسب بودن وضعیت شاخص است؛ بنابراین، فرضیه فرعی ۳-۴ مورد تأیید واقع می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به بررسی میزان همسویی نظام بانکداری کشور با اهداف نظام اقتصادی اسلام، پرداخته شده است. توفیق دستیابی به شاخص‌های بانکداری اسلامی، عدالت اقتصادی (توزیع عادلانه منابع، رعایت انگیزه سپرده‌گذار و فقرزدایی)، رشد اقتصادی،

استقلال اقتصادی و سرمایه اجتماعی (صداقت، اعتماد و انسجام)، از طریق چهار فرضیه اصلی و شش فرضیه فرعی به روش آماری مورد آزمون قرار گرفت که نتایج حاکی از این بود که به جز دو فرضیه فرعی ۱-۲ و ۴-۲ مربوط به مؤلفه‌های رعایت انگیزه سپرده‌گذار و اعتماد، مابقی فرضیات تحقیق مورد تأیید واقع شد؛ به عبارت دیگر، به جز این دو مؤلفه، وضعیت دیگر شاخص‌های اهداف نظام اقتصادی اسلام در سیستم بانکداری کشور رو به بهبود نیست. در خصوص مؤلفه‌های توزیع عادلانه منابع، فقرزدایی، استقلال اقتصادی، صداقت و انسجام باید گفت، نه تنها شاهد تقویت این ۵ شاخص نبوده‌ایم، بلکه روند اینها رو به پسرفت نیز بوده است.

در رابطه با شاخص‌های عدالت اقتصادی و سرمایه اجتماعی، در صورتی می‌توان گفت سیستم بانکداری کشور پس از انقلاب در قبال تقویت آنها موفق عمل کرده است که حداقل نیمی از مؤلفه‌های آنها روند روبه‌رشدی داشته باشند. حال آنکه در شاخص عدالت، ۲ مؤلفه از ۳ مؤلفه آن، وضعیت نامطلوب داشته‌اند؛ بنابراین، نمی‌توان نتیجه گرفت نظام بانکی کشور در تحقق معیار عدالت اقتصادی موفق عمل کرده است. در رابطه با شاخص سرمایه اجتماعی نیز، از سه بعد مورد بررسی، در دو مؤلفه (صداقت و انسجام) روند کاهشی بود؛ از این رو، نمی‌توان نتیجه گرفت نظام بانکی کشور در تحقق معیار سرمایه اجتماعی موفق عمل کرده است.

بنابراین، با در نظر گرفتن کل نسبت‌های مورد بررسی، می‌توان گفت سیستم بانکداری کشور در قبال تقویت شاخص‌های اهداف نظام اقتصادی اسلام موفق عمل نکرده است. این مسئله، زنگ خطری برای مسئولان و متولیان سیستم بانکی محسوب می‌شود؛ چراکه طی نزدیک به چهار دهه از انقلاب اسلامی و با مستحکم شدن زیرمجموعه‌ها و پایه‌های نظام اسلامی، انتظار می‌رود عملکرد تمامی بخش‌ها از جمله بخش اقتصاد و بانکداری روزبه‌روز بیشتر با معیارهای اسلامی مطابقت پیدا کند.

منابع و مأخذ

۱. موسوی خمینی، سیدروح‌الله؛ صحیفه امام؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.

۲. اسماعیلیان، فرید؛ «ارزیابی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی خانوارها»؛ ماهنامه آوای قم، ش ۳۵۸، ۱۳۹۲.
۳. باقرپور، مهسا و دیگران؛ «بررسی کارایی آزمون من-کندال در شناسایی روند سری-های دارای خودهمبستگی»؛ نشریه علوم و مهندسی آبخیزداری ایران، س ۱۱، ش ۳۶، ۱۳۹۶.
۴. باورصاد، بلقیس و دیگران؛ «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد بانک‌های مهر اقتصاد استان خوزستان از نگاه کارکنان»؛ فصلنامه توسعه اجتماعی، س ۱۱، ش ۳، ۱۳۹۶.
۵. توکلی، عبدالله و دیگران؛ «اعتماد رکن اصلی سرمایه اجتماعی: طراحی الگویی مبتنی بر تعالیم اسلامی»؛ مدیریت سرمایه اجتماعی، س ۳، ش ۴، ۱۳۹۵.
۶. حسن‌زاده، علی و دیگران؛ «بررسی آثار اعتبارات خرد در کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، س ۶، ۱۳۸۵.
۷. دادگر، یدالله و دیگران؛ سرمایه اجتماعی، اسلام و توسعه اقتصادی؛ تهران: نشر مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۴.
۸. دلیری، حسن و محسن رنانی؛ «سرمایه اجتماعی چگونه وارد تابع تولید می‌شود»؛ اقتصاد تطبیقی، س ۱، ش ۱، ۱۳۸۹.
۹. رجایی، سید محمدکاظم؛ درآمدی بر شاخص‌های اقتصادی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت؛ قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی، ۱۳۹۴.
۱۰. زنگنه، گلنوش؛ «تأثیر تسهیلات خرد بانکی بر کاهش فقر و نابرابری درآمدی در استان‌های کشور»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده امور اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکزی، ۱۳۹۳.
۱۱. سبحانی، حسن و محمد امیرعلی؛ «پژوهشی در استخراج معیارهای حق و عدل در بانکداری بدون ربا»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، س ۱۴، ش ۵۵، ۱۳۹۳.
۱۲. سبزی‌پور، علی‌اکبر؛ «تحلیل روند تبخیر و تعرق مرجع با استفاده از آزمون من-کندال و اسپیرمن در مناطق خشک ایران»؛ نشریه آب و خاک، ج ۲۵، ش ۴، ۱۳۹۰.

۱۳. طیبی، سید کمیل و دیگران؛ «تأثیر تسهیلات بانکی بر اشتغال‌زایی بخش‌های اقتصادی ایران»؛ نشریه پول و اقتصاد، س ۲، ش ۴، ۱۳۸۹.
۱۴. عیوض‌لو، حسین و مجید کریمی‌ریزی؛ «شناسایی و اندازه‌گیری شاخص عدالت و کارایی در نظام بانکی؛ دو فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، س ۸، ش ۱۵، ۱۳۹۴.
۱۵. قره‌باغیان، مرتضی؛ اقتصاد رشد و توسعه؛ ج ۲، تهران: نشر نی، ۱۳۷۳.
۱۶. کریمی، زهرا و دیگران؛ «بررسی نقش انسجام اجتماعی در توسعه اقتصادی»؛ فصلنامه برنامه و بودجه، س ۱۶، ش ۴، ۱۳۹۰.
۱۷. کلینی، محمدبن یعقوب؛ الفروع من الکافی؛ ج ۱، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۱۸. کوهکن، علیرضا؛ «مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اسلامی»؛ راهبرد یاس، ش ۱۷، ۱۳۸۸.
۱۹. محقق‌نیا، محمدجواد؛ درآمدی بر شاخص‌های بانکداری اسلامی؛ قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۴.
۲۰. محقق‌نیا، محمدجواد؛ «سخنرانی در افتتاحیه همایش بانکداری اسلامی در مشهد»؛ شاخص‌های ارزیابی بانکداری اسلامی: مجموعه مقالات همایش بانکداری اسلامی بانک رفاه، تهران: عترة نو، ۱۳۹۱.
۲۱. محمدزاده، یوسف؛ «ارزیابی اهداف و عملکرد بانکداری اسلامی در ایران و سایر کشورهای اسلامی»؛ فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ش ۱۷، ۱۳۹۵.
۲۲. مکیان، سیدنظام‌الدین و رضا محبی؛ «اطلاعات نامتقارن و وام بانکی: مطالعه موردی سیستم بانکی ایران»؛ سیاست‌گذاری اقتصادی، س ۵، ش ۱۰، ۱۳۹۲.
۲۳. موسویان، سیدعباس؛ شاخص‌های ارزیابی بانکداری اسلامی (مطالعه موردی سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و تحقق آن)؛ قم: نشر زمزم هدایت، ۱۳۹۲.
۲۴. موسویان، سیدعباس و حسین میسمی؛ بانکداری اسلامی (۱): مبانی نظری - تجارب عملی؛ ویراست پنجم، تهران: انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۵.
۲۵. میرعباسی، رسول و یعقوب دین‌پژوه؛ «تحلیل روند تغییرات بارش‌های شمال غرب ایران در نیم‌قرن گذشته»؛ علوم و مهندسی آبیاری، ش ۴، ۱۳۹۱.
۲۶. میسمی، حسین و وهاب قلیچ؛ «آسیب‌شناسی اجرای بانکداری اسلامی در کشور:

- دلالت‌هایی برای تحول در نظام بانکی»؛ *مجله تازه‌های اقتصاد*، ش ۱۳۲، ۱۳۹۰.
۲۷. نصراللهی، زهرا و علی شفیع؛ «اثر صداقت در بازارهای مالی بر تغییرهای اقتصادی»؛ *مجله اقتصاد اسلامی*، س ۱۶، ش ۶۱، ۱۳۹۵.
۲۸. نظریور، محمدنقی و مصطفی منتظری مقدم؛ «سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی»؛ *مجله اقتصاد اسلامی*، س ۱۰، ش ۳۷، ۱۳۸۹.
۲۹. وایسر، هانس؛ مدیریت مالی اسلامی: اصول و کارکردها؛ ترجمه مهدی صادقی شاهدانی و حسین محسنی، چ ۱، تهران: نشر دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۰.
30. Antonio, M.S., Sanrego, Y.D., Taufiq, M.; "An Analysis of Islamic Banking Performance: *Maqashid* Index Implementation in Indonesia and Jordania"; **Journal of Islamic Finance**, Vol. 1, No. 1, 2012.
31. Chen, H., Guo, S, Xu, C.Y., and Singh, V.P.; "Historical temporal trends of hydro-climatic variables and runoff response to climate variability and their relevance in water resource management in the Hanjiang basin"; **Journal of Hydrology**, 344, 2007.
32. Coleman, J. S. & Coleman, J. S.; **Foundations of social theory**; Cambridge: Harvard University Press, 1994.
33. Daniel W.W.; **Applied Nonparametric Statistics**; Boston, USA, 1978.
34. Farook, S.; **A standards of corporate social responsibility for Islamic financial institutions: A preliminary study**; in M. Obaidullah and H. Abdul Latif (eds.), *Islamic Finance for Micro and Medium Enterprises*. Islamic Research & Training Institute, Islamic Development Bank and Centre for Islamic Banking, Finance and Management, Universiti Brunei Darussalam, 2008.

35. Hamed, K.H., & Rao, A.R.; "A modified Mann–Kendall trend test for autocorrelated data"; **Journal of Hydrol**, 204, 1998.
36. Hartono, S., & Sobari, A.; "Sharia MAQASHID Index as a measuring performance of Islamic banking: a more holistic approach"; **Corporate Ownership & Control**, Vol. 14, Issue 2, 2017.
37. Karatepe, O. M.; "Customer complaints and organizational responses: The effects of complaints' perceptions of justice on satisfaction and loyalty"; **International Journal of Hospitality Management**, Vol. 25, No. 1, 2006.
38. Kendall, M.G.; **Rank Correlation Methods**; 2nd Ed., New York: Hafner, 1970.
39. Khoi, D. N., & Trang, H. T.; "Analysis of Changes in Precipitation and Extremes Events in Ho Chi Minh City, Vietnam"; **Procedia Engineering**, 142, 2016.
40. Kumar, S., Merwade, V., Kam, J., Thurner, K.; "Streamflow trends in Indiana: Effects of long term persistence, precipitation and subsurface drains"; **Journal of Hydrology**, 374, 2009.
41. Mann, H.B.; "Non-parametric tests against trend"; **Econometrica**, 13, 1945.
42. Munford, L. A.; "The impact of congestion charging on social capital"; **Transportation Research**, Part A, 97, 2017.
43. Novotny E.V., & Stefan H.G.; "Stream flow in Minnesota: Indicator of climate change"; **Journal of Hydrol**, 334, 2007.
44. Partal, T., & Kahya, P.; "Trend analysis in Turkish precipitation data"; **Hydrol. Process**, Vol. 20, No. 9, 2006.
45. Salmi, T., Maatta, A., Anttila, P., Ruoho-Airola, T. & Annell,

- T.; **Detecting trends of annual values of atmospheric pollutants by the Mann-Kendall test and Sen's slope estimates**; Helsinki, Finland: Publications on Air Quality, Vol. 31, 2002.
46. Sen, P.K.; "Estimates of the regression coefficients based on Kendall's Tau"; **Journal of the American Statistical Association**, 63, 1968.
47. Tax, S. S., Brown, S. W., Chandrashekar, M.; "Customer evaluations of service complaint experiences: implication for relationship marketing"; **Journal of Marketing**, Vol. 62, No. 2, 1998.
48. Woolcock, M.; "Social capital and economic development: toward a theoretical synthesis and policy framework"; **Theory and society**, Vol. 27, No. 2, 1998.
49. Yue, S., Pilon, P., Phinney, B., Cavadias, G.; "The influence of autocorrelation on the ability to detect trend in hydrological series"; **Hydrological Processes**, Vol. 16, No. 9, 2002a.
50. Yue S., Pilon P., and Cavadias G.; "Power of the Mann-Kendall and Spearman's tests for detecting monotonic trends in hydrological series"; **Journal of hydrol**, 259, 2002b.